

از گوشه و کنار

رایزنی درباره زمان برگزاری «کنکور» پس از سیل اخیر



قائم مقام وزیر آموزش و پرورش ضمن تاکید بر این که تمهیدات لازم پیرامون جبران عقب‌افتادگی‌های درسی دانش‌آموزان در مناطق سیل‌زده اندیشیده شده است گفت: خانواده‌ها نگران درس بچه‌ها نباشند. طرف چندروز آینده رایزنی‌هایی بیسن وزرای آموزش و پرورش و علوم درباره زمان برگزاری کنکور هم صورت خواهد گرفت. امیرعلی نعمت‌الهی اظهار کرد: همکارانم در اکثر مناطق سیل‌زده و آسیب‌دیده در ایام تعطیلات نوروز، با همت جهادی تلاش کردند تا حد امکان مدارس از روز شنبه آماده‌گشایش باشند؛ در آق‌قلو گمیشان استان گلستان انتقال کانکس‌ها و میز و نیمکت مورد نیاز را نیز انجام دادیم. وی افزود: اما تاکید ما بر این است که حفظ جان دانش‌آموزان و معلمان اولویت اول آموزش و پرورش و نظام است. بر همین اساس، بنا شد تصمیم‌گیری درباره تعطیلی مدارس در استان‌ها و مناطق توسط ستادهای بحران انجام شود که در مناطق مختلف حسب شرایط ابلاغ و اعلام شده است.

سن ابتلا به اعتیاد ۱۹ سال اعلام شد



مسئول دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور بر حمایت از برنامه‌های مبتکرانه برای اشناسه سلامت اجتماعی تاکید کرد. بهمن صدیق در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص طرح موبایل کلینیک اظهار کرد: موبایل کلینیک طرحی است که با استفاده از اپلیکیشن‌های مناسب خدمات مشاوره‌ای راحت‌تر و آسان‌تر ارائه می‌شود تا مردم با استفاده از آن از مشاوره مناسب بهره‌مند شوند. وی در مورد همیاران سلامت و روان اجتماعی گفت: همیاران بحث مهمی است که در قالب گروه‌های همیار شکل می‌گیرند و هدفشان این است که با دغدغه و موضوع مشترک شروع به یاری‌رسانی می‌کنند با رشد فعالیت‌های مختلف تبدیل به سمن می‌شوند.

مسئول دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور بیان کرد: کاری دامنه‌دار در پیمایش آسیب‌های اجتماعی شروع کردیم و این کار توانست خیلی از نگاه‌ها را تغییر دهد، بر اساس یافته‌ها سن ابتلا به اعتیاد می‌گفتند به ۱۰ تا ۱۱ سال رسیده است که اینگونه نیست بلکه این سن ۱۹ سال است.

تقاضای جلسه غیر علنی برای بررسی گرانی هادر مجلس



عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس از تقاضای جمعی از نمایندگان برای بررسی گرانی‌ها و تورم افسار گسیخته در جلسه غیر علنی غیر رسمی مجلس خبر داد. حسنعلی حاجی دلیگانی نماینده‌شاهین شهر، بر خوار و میمه در مجلس شورای اسلامی بیان این که نمایندگان برای برگزاری این جلسه نامه رسمی به علی لاریجانی رئیس مجلس نوشتند، گفت: ما خواستار بررسی مشکلات اقتصادی جامعه هستیم.

وی با بیان این که تورم، مشکلات معیشتی، افزایش قیمت کالاها و خدمات اقشار آسیب‌پذیر را با مشکلات جدی مواجه کرده افزود: نامه نمایندگان مجلس پنج محور دارد و تاکنون به اعضای ۱۳ نماینده مجلس رسیده است.



این فرد، صرفاً یک مجسمه طاووس را آتش زده است، اما ما هنوز هم در حال قربانی کردن هستیم؛ اگر حیوان نمی‌کشیم و اگر قربانی گیاهی نمی‌دهیم؛ صدقه که می‌دهیم!

آن آیین را در زمان و مکان مناسب یا به شیوه درست انجام نداده است. در جایی کوتاهی کرده و یا اخیراً مثلاً عده‌ای می‌گویند اگر حجاب رعایت می‌شد این فاجعه‌ها اتفاق نمی‌افتاد. وقتی به‌هر حال فاجعه و مصیبت پیش می‌آید، مردم علت آن را در نقص‌های عملکردی خودشان جست‌وجو می‌کنند. نه در کار نکردن قربانی و صدقه. یساحتی ممکن است طرف بگوید که قربانی‌اش قبول نشده است! مثلاً قربانی‌کننده احساس کند که قربانی‌اش به‌خاطر فلان گناه و قصورش و یا مال حرامی که در زندگی‌اش وارد شده، پذیرفته نشده است. قربانی می‌کنند اما آن که برایش قربانی می‌شود طبعاً همه چیز را می‌داند و گول نمی‌خورد و قربانی این فرد خطاکار را نمی‌پذیرد؛ مصداق این آیه قرآن کریم که می‌فرماید «وَمَكْرُوا مَكَرًا وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»

شما آتش‌زدن این طاووس را

از نظر اجتماعی چطور می‌بینید؟ این که هنوز با وجود پیشرفت علم، چنین رفتارهایی از آدمی سسر می‌زند.

ببینید این داستان قربانی و اعتقاد به نحس و سعد و خیر و شر اصلاً به سواد و علم و دانش ربطی ندارد. چون اسطوره هرگز از بین نمی‌رود و نخواهد رفت، فقط شکستش عوض می‌شود. مدرن می‌شود اما می‌ماند. ۲۵۰۰ سال است که می‌گویند اسطوره با پیشرفت علم از بین خواهد رفت اما تا حالا که از بین نرفته و نمونه‌های همین آتش‌زدن طاووس دروازه قرآن است. باید توجه داشته باشیم که اسطوره کار کرده‌های مثبت و منفی دارد و در درس‌هایی برای حل تعارضات زندگی، فردی که عزیزش را در سیل از دست داده دچار تعارضی شده که چاره‌نجات پیدا کردن از آن تعارض را در آتش‌زدن طاووس دیده است. اسطوره به این فرد در حل تعارضش کمک می‌کند. به‌اومی گوید خیلی خوب، قانون زندگی همین کشتن و صدمه دیدن و دچار خشم طبیعت شدن است و تو نمی‌توانی از این قانون فرار بکنی بهتر است که این قانون را بپذیری و با انجام آیین‌هایی قلبت آرام کنی. چون انسان ترس‌ها و نگرانی‌ها و اضطراب‌هایی دارد که هنوز علم نمی‌تواند به آن پاسخ بدهد.

هنوز هم در حال قربانی کردن هستیم؛ اگر حیوان نمی‌کشیم و اگر قربانی گیاهی نمی‌دهیم، صدقه که می‌دهیم! همین صدقه‌دادن هم یعنی بخشیدن و اهدا کردن بخشی از محصولی که به دست آورده‌ایم. حالا در دوران متمدن امروز محصولی که ما بدست می‌آوریم به شکل پول است، پس بخشی از پول‌مان را به صورت صدقه قربانی می‌کنیم. حتی انواع کمک کردن به فقرا و امدارسانی‌های مالی و مادی و معنوی و حضوری شکل جدید قربانی کردن در دوران مدرن است. این سنت چندین ده هزار ساله هرگز از بین نرفته و به موجودیت خودش ادامه داده، فقط شکلش را عوض کرده است. تغییر شکل قربانی کردن دلیل نمی‌شود ذهنیت ما هم نسبت به آن تغییر کرده باشد.

اما با گردیم به ماجرای طاووس دروازه قرآن و ارتباط آتش‌زدن آن با قربانی کردن و با حتی انتقام گرفتن. مبانی اسطوره‌شناسی، چنین رفتاری را چگونه تبیین می‌کند؟

به نظر من آتش‌زدن آن طاووس هم باز مانده همان اعتقادات و پایه قول معروف خرافات است. به هر حال در طول هزاران سال اسطوره و دین و خرافات مختلف داشته‌ایم و داریم. به نحس و شگون و تقدیر هنوز اعتقاد داریم؛ این که فلان چیز نحس است یا سعد است. بخشی از این ماجرا برمی‌گردد به همین اعتقاداتی که هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. این آدم احساس کرده حادثه‌ای که برای او و شهرش اتفاق افتاده، با طاووس جدید دروازه قرآن ارتباط دارد.

اثر روانی چنین آیین‌هایی روی مردم چیست. مثلاً این فرد با آتش‌زدن طاووس به چه چیزی در درون خودش پاسخ گفته و می‌خواسته چه چیزی را آرام کند؟

او در پی رسیدن به اطمینان خاطر است. برای او طاووس نمادش بوده و احساس می‌کند آسیبی که خورده از سوی این شر بوده و باید آن را قربانی می‌کرده تا به اطمینان خاطر دست بیاید. همان‌طور که یکی دیگر برای بیمه کردن ماشینش، قربانی حیوانی می‌کند و خون آن را به چرخ و سپر ماشین می‌مالد. او با این عمل احساس امنیت و اطمینان خاطر می‌کند و فکر می‌کند بیمه شده و حادثه‌ای برای او رخ نخواهد داد. او با این کار پیشاپیش در حال بیمه کردن و فرونشاندن خشم و جلب خیر است.

اما با تمام آیین قربانی کردن‌ها، وقتی باز هم حادثه شوم اتفاق می‌افتد و مثلاً به هر حال سیل دوباره می‌آید، ماشین تصادف می‌کند، یعنی در عمل قربانی کار کردش را انجام نداده و نقیض در خواست قربانی‌کننده اتفاق افتاده است. نظر تان در این مورد چیست؟

وقتی نقیض اتفاق می‌افتد، آن اتفاق بد را به چیز دیگری نسبت می‌دهد. یعنی مثلاً فکر می‌کند که

خرسند و راضی کردن آنان بوده. در واقع یک نوع باج‌دادن به نیروهای ناشناخته طبیعت بوده، یک نوع معامله؛ این که چیزی می‌دادند تا در مقابلش نفعی به‌دست آورند. نکته مهم این است که در دوران کهن سسنگی معتقد بودند حیوانات هم مانند انسان روح دارند. آن‌ها را «تو» خطاب می‌کردند. در نتیجه فرض بر این است که این حیوانات به نحوی خود را تسلیم انسان می‌کردند و داوطلب می‌شدند که زندگی ادامه پیدا کند. حتی هنگام قربانی کردن حیوانات، انسان‌ها مراسم شکرگزاری و سپاسگزاری نسبت به این حیوانات داشتند. در اسطوره‌شناسی ایرانی هم مازروان را داریم. خدای زمان که خودش در جهان هستی تنهاست. اما همین خدای تنها هزار سال قربانی می‌کند که فرزندش داشته باشد؛ اصلاً هم معلوم نیست که این قربانی‌ها را برای چه کسی انجام می‌دهد؛ چون غیر از خودش که کس دیگری در هستی نیست! داستان در زندگی کشاورزی حتی عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود؛ چون کشاورزی با زمین و خاک و باران ارتباط مستقیم دارد. در بین‌النهرین بارها و بارها مردم کشاورز با طغیان رودخانه‌ها مواجهند. در اثر سیل و طغیان رودخانه، زندگی آدم‌ها به‌طرف‌العینتی نابود می‌شود. خوب این افراد یکی از تمهیداتی که به کار می‌برند قربانی کردن است. اما البته به موازات چنین آیین‌هایی نجوم و ستاره‌شناسی هم پیشرفت می‌کند و این مردم می‌توانند وقوع چنین حوادثی را پیش‌بینی هم بکنند و جلوی آن را با ساخت وسازهایی بگیرند. خوب این عمل آتش‌زدن طاووس، و در واقع به‌نوعی قربانی کردن آن با انتقام گرفتن از آن، عملی بسیار ریشه‌دار است. ریشه در تاریخ و اسطوره دارد و خیلی نباید در این مورد تعجب کرد.

با توجه به توضیحات شما، حافظه و ناخودآگاه جمعی که چنین ریشه‌دار هم هست، فردی را که از طبیعت آسیب دیده و آوار می‌کند طاووس را آتش‌بزنند؟ صحبت من این است که نباید در مورد این اتفاق خیلی تعجب کنیم و واکنش‌های آنی نابجا از خودمان نشان بدهیم. چنین آیین‌هایی در بسیاری از نقاط جهان هنوز به موجودیت و حتی کارکرد خودشان ادامه می‌دهند این فرد، صرفاً یک مجسمه طاووس را آتش زده است، اما



بررسی اسطوره‌شناختی رفتاری بحث برانگیز در دروازه قرآن شیراز

چرایی سوختن پرهای یک طاووس



فردی که عزیزش را در سیل از دست داده دچار تعارضی شده که چاره نجات پیدا کردن از آن تعارض را در آتش‌زدن طاووس دیده است. اسطوره به این فرد در حل تعارضش کمک می‌کند

قربانی گیاهی داریم که بصورت‌اهدایی بخشی از محصول بوده. چند دلیل مشخص هم دارد که یکی از دلایل فرونشاندن خشم خدایانی بوده که خود را بصورت حوادث و بلایای طبیعی نشان می‌دادند و برای تسکین و آرام کردن یا

و چندو چون ماجرا را از نگاه وی جویا شدیم.

شما هم از آتش‌زدن طاووس دروازه قرآن شیراز خبر دارید و حتماً شنیده‌اید که بسیاری و حتی فردی که آن را آتش‌زده علت اصلی این عمل را بدیمنی و بدشگونی حضور او مؤثر بودنش در حادثه سیل اخیر شیراز و کشته شدن تعدادی از هموطنان مان می‌دانند. این مسئله را از زاویه اسطوره‌شناسی چگونه بررسی می‌کنید؟

بله من هم این خبر را شنیدم و به نظرم چنین عملی می‌تواند دلیلی در ناخودآگاه و حافظه جمعی ماداشته باشد. در این مورد تا آنجا که به اسطوره مربوط می‌شود، قربانی کردن یکی از کهن‌ترین آیین‌هایی است که در تمام اسطوره‌های همه ملت‌ها وجود دارد. سابقه قربانی کردن به‌دوره کهن سنگی متاخر برمی‌گردد. یعنی از حدود ۳۰ هزار سال پیش که شواهد و اسنادی در این زمینه به‌دست آمده مثل نقاشی‌ها درون غارها، می‌بینیم که انسان آن دوران هم قربانی می‌کرده است. حالا آن زمان چون انسان شکارگر بوده، بیشتر قربانی‌های او حیوانی بوده و یا حتی گاه انسانی، و یاد زمان کشاورزی



آذر فخری

سال گذشته شهرداری شیراز به این نتیجه رسید که طاووس ۳۰ ساله و قدیمی عمر خود را کرده است و بهتر آن است که طاووس جوانی جای آن را بگیرد. طاووس جدیداً، پرده عادت را کنار زد و برای پذیرفتنش زمان لازم بود؛ زمانی که با گذشتنش، جز فاجعه و مرگ برای شهر چیزی به‌ار مغان نیاورد و برخی از مردم شهر، همه این ویرانی‌ها و مرگ‌های حاصل از سیل را به پای طاووس جوان نوشتند. تا آنجا که چند روز پیش مردی که گفته می‌شود یکی از نزدیکانش را در سیل از دست داده است، برای انتقام از خشم طبیعت و ناکارآمدی سازوکارهای انسانی، آن را به آتش کشید. رفتاری که در فضای مجازی به خرافه پرستی نسبت داده شد و واکنش‌های بسیاری به دنبال داشت. از نظر ما هم این رفتار از نظر تاریخی - اسطوره‌ای جای بحث و گفت‌وگو دارد و از آیین‌رو برای بررسی بیشتر پای صحبت عباس مخبر، مدرس اسطوره‌شناس نشنستیم

یادداشت

سیروان محمودی، پژوهشگر جامعه‌شناسی فاجعه

بعد از وقوع هر فاجعه‌ای، کمپین‌هایی برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی تشکیل می‌شوند، انجمن‌ها و خیریه‌ها جهت امداد رسانی و کمک‌رسانی وارد میدان می‌شوند، گروه‌ها و سلب‌ریتی‌ها و فعالان اجتماعی احساس مسئولیت می‌کنند و... با احترام به هر گونه اقدام انسانی و انسان‌دوستانه گروه‌ها و افرادی که در مواقع فاجعه و بلایا

کار کرد پنهان کمک‌های مردمی در فجایع زلزله و سیل

فعالیت می‌کنند باید این پرسش‌ها را مطرح کرد:

- تا کی باید وظایف و مسئولیت‌های نهادها و سازمان‌های رسمی را مردم و انجمن‌ها و کمپین‌ها به عهده بگیرند؟
- آیا فکر نمی‌کنید فعالیت‌های اجتماعی و کمک‌رسانی مردم، سازمان‌های مسئول را بی‌مسئولیت‌تر و ناکارآمدتر می‌کنند؟
- آیا این حجم وسیع کمک‌رسانی و خدمات مردمی و انجمن‌ها باعث سلب مسئولیت

هم این قضیه را تبلیغ می‌کنند؛ بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی سازمان‌های رسمی در مورد فاجعه زلزله کرمانشاه، فاجعه سیل گلستان، خوزستان، شیراز و لرستان گواه و مصداق عینی و ملموسی است.

کاش به‌جای این همه کمپین و انجمن‌های کمک‌رسانی و خیریه، کمپین‌های جهت‌پرستش‌گری و مطالبه‌گری از سازمان‌های رسمی مسئول به‌وجود می‌آمد تا ناکارآمدی، بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی آنان را مورد پرسش و بازخواست قرار می‌دادند. در جامعه فاجعه‌آمیز امروزی نیازمند مطالبه‌گری، پرسش‌گری و نقد نهادها و سازمان‌های مسئول هستیم تا انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های آنان.

وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و رسمی و مسوول می‌باشد در واقع با کنش انسانی خودمان، سازمان‌های مسئول را بی‌عرضه‌تر، ناکارآمدتر، منفعل‌تر می‌کنیم.

درست است که هدف ما این نیست اما کارکرد پنهانی کنش‌های ما دقیقاً منتهی به ساختار رسمی بی‌تفاوت و غیرمسئول در برابر فجایع می‌شود. ما هر روز داریم گوشه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادهای رسمی را از اساسنامه‌های‌شان پاک می‌کنیم. بعد از وقوع چندین زلزله مهیب و فجایع و بلایا هنوز سازمان‌های رسمی و مسئول منتظر کمک‌های مردمی، کمپین‌ها و انجمن‌ها هستند بطوری که از رسانه‌های خودشان

فجایع (پیشگیری، درمان، پس‌فاجعه) از نهادها و سازمان‌های رسمی نمی‌شود؟
رابرت مرتون، جامعه‌شناس آمریکایی در مورد پدیده‌های اجتماعی معتقد به کارکرد آشکار و کارکرد پنهان آن‌هاست. با توجه به نظریه مرتون می‌توان بیان داشت که کارکرد آشکار کمک‌های مردمی و خودجوش، اقدامی انسانی و در جهت حل مسائل و مشکلات جامعه است و امری پس‌ندیده و مقبول است. اما کارکرد پنهانی کمک‌های مردمی، انجام دادن